

فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (سلام الله علیها)

سال شانزدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۸، پیاپی ۴۱، صص ۱۳۹-۱۵۹

نگاهی دوباره به نویسنده الرجال برقی

فریما میرزائی^۱

اعظم فرجامی^۲

جمال فرزندوحی^۳

DOI: 10.22051/tqh.2019.21710.2129

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۱

چکیده

رجال‌شناسان متعماً در شمار کتاب‌های احمد بن محمد برقی از کتاب الرجال یاد می‌کنند. با این‌همه ابن‌ندیم از نخستین کسانی است که این انتساب را به پدر احمد، محمد بن خالد برقی بازمی‌گرداند و حتی کتاب دیگر احمد یعنی المحاسن را به پدر منسوب می‌کند. پس از وی، معاصرانی چون آقابزرگ تهرانی این ادعا را به‌نوعی دیگر بازگو کردند. شوشتری با قرائنی چند، نهایی‌ترین دیدگاه را مطرح کرد و الرجال برقی را به نواده احمد برقی منسوب دانست. دیدگاه شوشتری اکنون پذیرفته شده و متقن به نظر می‌رسد. با این‌همه خطای در برداشت از عبارت برقی در این دلایل

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. Mirzaie.f72@gmail.com

۲. استادیار گروه الهیات دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول) azamfarjami@yahoo.com

۳. استادیار گروه الهیات دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. farzandwahy@yahoo.com

وجود دارد؛ زیرا عبارت «کتاب سعد» به کتاب سعد بن سعد اشاره دارد و نه کتاب سعد بن عبدالله که شوشتری مدعی است. تصریح متقدمان، انصراف نام برقی به احمد برقی در کتاب‌های رجال و نیز شهرت فراگیر احمد برقی از دلایلی است که نشان می‌دهد، کتاب الرجال به وی تعلق دارد.

واژه‌های کلیدی: احمد بن محمد برقی، الرجال برقی، رجال‌شناسی، تاریخ حدیث.

۱. طرح مسأله

رجال برقی کهن‌ترین کتاب رجال شیعه است که باقی مانده است. در اینکه کدام‌یک از افراد خاندان برقی این کتاب را نوشتند، تردید است. معمولاً آن را به احمد بن محمد بن خالد برقی (۲۷۴ ق) نسبت می‌دهند. نیاکان احمد برقی، از شیعیان کوفه بودند که بعد از قیام و قتل زید بن علی (ع) و کشتن شدن جد برقی در زندان، به قم گریختند و در منطقه برق‌رود ساکن شدند (نک: نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۷۶؛ طوسی، ۱۴۲۲، ص ۶۲). به نظر می‌رسد بیشتر خاندان برقی در قم در زمره بزرگان و دانشمندان قرار گرفتند؛ زیرا نجاشی و طوسی تنی چند از عموها و عموزادگان احمد برقی را نام می‌برد که صاحب کتاب، فقیه، ادیب و در نقل حدیث موثق بودند (نک: نجاشی، ۱۴۲۴، صص ۶۱ و ۳۳۵؛ طوسی، ۱۴۲۲، ص ۹۹).

محمد بن ابوالقاسم ماجیلویه، بزرگ طایفه امامیه در قم، که فرزندان او از اساتید شیخ صدوق بودند، داماد احمد برقی است. نجاشی و طوسی به این نسبت و نیز اسامی فرزندان ماجیلویه که تحت تعلیم برقی بودند و بعدها از بزرگان و ناقلان وی شدند، اشاره کردند (نک: نجاشی، ۱۴۲۴، صص ۲۶۱ و ۳۵۳؛ طوسی، ۱۴۲۲، ص ۶۴). از این شواهد برمی‌آید که خاندان برقی در قم، ری، بغداد و کوفه از بزرگان علم حدیث و تاریخ و سیره محسوب می‌شدند؛ به گونه‌ای که بخش بزرگی از کتاب‌های حدیثی امامیه را به نویسندگان قرون چهارم و پنجم قمری منتقل کردند و در اسناد و طرق نقل این کتاب‌ها نام برده شدند.

۲. شخصیت احمد برقی

ابوجعفر احمد بن ابو عبدالله محمد برقی را از اصحاب امام جواد و امام هادی (ع) (طوسی، ۱۴۱۵، صص ۳۷۳ و ۳۸۳) و فی نفسه ثقه دانستند؛ با این همه به سبب نقل بسیار از اساتید ضعیف و اعتماد به روایات مرسل، بر او خُرده گرفتند (نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۷۶؛ طوسی، ۱۴۲۲، ص ۶۲). به گونه‌ای که به سبب همین طعن و ایراد، احمد بن محمد بن عیسی اشعری او را از قم اخراج کرد؛ هر چند بعدها پشیمان شد و از وی عذر خواست (ابن-غضائری، ۱۴۲۲، ص ۳۹). بی‌دقتی در نقل از راویان ضعیف، ایرادی است که بر پدرش محمد بن خالد برقی هم وارد شده است (نک: همو، ص ۹۳؛ نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۳۳۵).

۳. انتساب الرجال برقی

نسخه موجود الفهرست ابن‌ندیم که با افتادگی و تا حدودی آشفتگی همراه است، الرجال را به برقی پدر نسبت می‌دهد. آقابزرگ تهرانی و شوشتری نیز از رجال‌شناسان معاصر هستند که این کتاب را گاه به پدر و گاه به نوادگان احمد برقی نسبت می‌دهند. عبارات این فهرست‌نگار کهن و دو رجالی معاصر گزارش و بررسی می‌شود.

۳-۱. ابن‌ندیم

نخستین کسی که درباره انتساب رجال برقی به احمد برقی تردید ایجاد کرد، ابن‌ندیم است. وی دو کتاب «کتاب الرجال» و «کتاب طبقات الرجال» را در شرح حال ابو عبدالله محمد بن خالد برقی نام می‌برد (نک: ابن‌ندیم، ۱۳۵۰، ص ۲۷۶). ابن‌ندیم کتاب الرجال را چنین معرفی می‌کند: «فیه ذکر من روی عن أمير المؤمنين (ع)» و همچنین طبق دست خط ابوعلی بن همام اسکافی (۳۳۶ ق)، کتاب طبقات الرجال را یکی از ابواب و کتاب‌های المحاسن می‌داند (همانجا).

بنابراین، ابن‌ندیم کتاب مشهور المحاسن را نیز به محمد بن خالد نسبت می‌دهد. این در حالی است که همه رجالیان متقدم شیعه، المحاسن و کتاب‌های نام برده شده ذیل آن را

به احمد برقی پسر، و نه محمد برقی پدر، نسبت می دهند (نجاشی، ۴۲۴، ص ۷۶؛ طوسی، ۱۴۲۲، ص ۶۵)؛ افزون بر آن، هیچ یک از رجالیون برای محمد بن خالد برقی کتاب رجالی معرفی نکردند.

نجاشی، محمد بن خالد برقی را ادیب و آشنا به تاریخ و علوم عرب گزارش می کند و نام هشت کتاب وی را می آورد (نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۳۳۵) و شیخ طوسی نیز تنها با ذکر «له کتاب النوادر» از یک کتاب وی یاد می کند (طوسی، ۱۴۲۲، ص ۲۲۶). به جز دو دلیل یاد شده، قرینه سوم برای رد انتساب الرجال به برقی پدر، آشفتگی متن ابن ندیم است. در کتاب ابن ندیم، پس از دو خط شرح حال و معرفی محمد بن خالد، حسن بن محبوب سراد معرفی می شود و سپس به ادامه شرح حال و معرفی کتاب های محمد بن خالد پرداخته می شود. به نظر می رسد متن دو پاره شده یا بخشی از شرح حال فرد دیگر در شرح حال محمد بن خالد داخل شده است. گمان دوم وقتی تقویت می شود که نفر بعدی که شرح می شود، پسر محمد خالد برقی، احمد بن محمد بن برقی است (نک: ابن ندیم، ۱۳۵۰، ص ۲۷۷).

۳-۲. آقابزرگ تهرانی

آقابزرگ تهرانی نیز به تعدد کتاب های رجالی در خاندان برقی اعتقاد دارد. وی بنا بر گزارش ابن ندیم، بر آن است که برقی بزرگ صاحب کتاب الرجال است و بنا بر گزارش نجاشی، برقی کوچک دو کتاب با موضوع رجال داشته است. از میان این سه کتاب، تنها کتاب الطبقات از احمد بن محمد برقی پسر باقی مانده است (نک: آقابزرگ تهرانی، ۱۹۸۳، ج ۲، ص ۱۳۹؛ همان، ج ۱۰، ص ۱۰۰). بنابراین آقابزرگ کتاب رجالی باقیمانده را متعلق به برقی پسر دانسته و آن را کتاب الطبقات می خواند.

در اینکه شیوه تنظیم رجال موجود برقی بر اساس طبقه صحابیان هر معصوم از پیامبر به بعد است، شکی نیست؛ اما به نظر نمی رسد در الرجال خواندن این کتاب، به جای نام گذاری الطبقات، سهوی رخ داده باشد. این ادعا از آن روست که کتاب طبقاتی دیگر شیعه، الرجال شیخ طوسی، هم الرجال نامیده شده است. الرجال خواندن کتاب شیخ طوسی هم از سوی خود شیخ طوسی و هم از سوی معاصرانش مانند نجاشی صورت گرفته است؛

زیرا هر دو از الرجال طوسی که به شیوه طبقات نگارش یافته است با عنوان «کتاب الرجال من روی عن النبی (ص) و عن الأئمة (علیهم السلام)» و «کتاب الرجال الذین رووا عن النبی و الأئمة الاثنی عشر و من تأخر عنهم» یاد می کنند (نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۴۰۳؛ طوسی، ۱۴۲۲، ص ۲۴۱).

بنابراین به نظر نمی رسد نگارش به شیوه طبقات لازمه نام گذاری کتاب به همان عنوان هم باشد و می توان کتاب فعلی را هم رجال و هم طبقات خواند. از این رو دو بار ذکر کردن کتاب رجال برای احمد برقی می تواند اشتباه نجاشی باشد؛ زیرا فهرست طوسی خالی از ذکر دو کتاب رجال برای برقی است. با این تحلیل، استدلال آقا بزرگ درباره سه کتاب رجال داشتن برای خاندان برقی پذیرفتنی نیست.

۳-۳. علامه شوشتری

مشهورترین دیدگاهی که هم اینک پذیرفته شده و بیشتر معاصران درباره نویسنده رجال برقی به آن قائل هستند، تعلق کتاب به احمد برقی پسر یا محمد برقی پدر نیست؛ بلکه انتساب آن به پسر احمد برقی، عبدالله بن احمد، است که استاد کلینی بوده یا انتساب به نوه احمد برقی، احمد بن عبدالله، که استاد صدوق بوده است. به نظر می رسد نخستین کسی که این نظریه را مطرح کرده است، علامه شوشتری باشد؛ زیر پس از او، همگان به وی نسبت می دهند. علامه شوشتری در فصل هجدهم مقدمه قاموس الرجال کتاب هایی را که درباره نویسنده آن اختلاف است، بررسی می کند. ابتدا به رجال برقی و سپس به رجال ابن غضائری می پردازد. وی می آورد:

«فقال بعضهم: إنه لأحمد بن أبي عبدالله البرقي و قال بعضهم: إنه لأبيه محمد بن خالد البرقي و كلاهما وهم و كيف يمكن أن يكون لهما؟ و قد استند في كثير من رجاله إلى كتاب سعد بن عبدالله القمي و سعد كان من تلامذة أحمد الابن و عنوان فيه عبدالله بن جعفر الحميري و صرح بسماعه منه فيكون شيخه مع أن عبدالله كسعد تلميذ أحمد الابن و عنوان أحمد بن أبي عبدالله فيه و لم يذكر أنه مصنف الكتاب كما هو القاعدة في من يذكر نفسه في كتابه كما فعل الشيخ و

النحاشي في فهرستيها و العلامة و ابن داود في كتابيهما و عنون محمد البرقي و لم
يشر إلى أنه أبوه و الذي يعلم من ملاحظة الطبقة: أنه لعبد الله بن أحمد البرقي
الذي يروي عنه الكليني أو أحمد بن عبد الله البرقي الذي يروي عنه الصدوق و
الثاني أقرب لعنوانه سعدا و الحميري كما عرفت» (شوشتری، ۱۴۱۹، ج ۱،
ص ۴۵).

بنابراین علامه شوشتری با چهار دلیل انتساب کتاب به احمد برقی یا پدرش را رد می
کند و کتاب را به پسر احمد برقی یا نوه وی منسوب می‌داند. دلایل شوشتری از این قرار
هستند:

الف) در کتاب رجال برقی فراوان به کتاب سعد بن عبدالله قمی استناد شده است؛
در حالی که سعد از شاگردان احمد است.

ب) در رجال برقی به سماع از عبدالله بن جعفر حمیری تصریح شده است که نشان از
استادی حمیری بر برقی دارد و حال آنکه عبدالله حمیری همانند سعد از شاگردان برقی
است.

ج) هنگام شرح حال احمد بن محمد برقی به اینکه وی صاحب کتاب است، اشاره
نمی‌شود. این در حالی است که نویسندگان کتاب‌های رجالمانند نجاشی و طوسی و
علامه حلی و ابن داود این رسم را رعایت کردند.

د) هنگام شرح حال محمد بن خالد برقی هم به نسبت پدری وی با نویسنده اشاره
نمی‌شود.

پس از شوشتری، بیشتر کسانی که درباره نویسنده کتاب رجال برقی سخن گفتند، به
همین دلایل اشاره کردند. آنان گاه به نام شوشتری این مطالب را ارجاع می‌دهند (برای
نمونه نک: ملکیان، ۱۳۹۲، ش ۱۴۰، ص ۵۱) و گاه از وی یاد نمی‌کنند (برای نمونه نک:
سبحانی، ۱۴۱۴، ص ۷۲).

برای رد انتساب رجال برقی به احمد برقی، مهم‌ترین دلایلی که برمی‌شمارند، معمولاً
به شوشتری و سخنانش باز می‌گردد؛ از این رو متن وی را که شامل چهار دلیل می‌شود،
به تفصیل بررسی و مذاقه می‌کنیم:

۳-۳-۱. بررسی کتاب سعد

درباره دلیل اول باید گفت استقصاء و جستجویی کامل در رجال برقی انجام شد اما هیچ‌گاه نام سعد بن عبدالله به صورت کامل در این کتاب به دست نیامد. برقی در هشت مورد هنگام معرفی راویان، با عبارت مختصر «فی کتاب سعد» از آن اطلاعاتی را گزارش می‌کند (نک: برقی، بی تا-الف، صص ۲۳، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۴۶ و ۵۳).

جستجو و مطالعه اساتید و مشایخ احمد برقی، نشان می‌دهد وی در سلسله سند کتاب و احادیث سعد بن سعد بن احوص اشعری قمی قرار دارد. سعد بن سعد بن مالک بن احوص اشعری قمی از طبقه اصحاب امام کاظم، امام رضا و امام جواد (ع) و توثیق شده است (طوسی، ۱۴۱۵، صص ۳۵۸ و ۳۷۵؛ برقی، بی تا-الف، ص ۵۱). نجاشی دو کتاب برای سعد بن سعد معرفی می‌کند: «کتابه المبوب روایة عباد بن سلیمان... کتاب غیر المبوب روایة محمد بن خالد البرقی،... مسائله للرضا علیه السلام» (نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۱۷۹).

از مطالعه کتاب‌های تاریخی برمی‌آید چنان‌چنان خاندان و فرزندان سعد احوص در قم فزونی و جایگاه ویژه‌ای یافته بودند که تیره‌ها و بزرگان هر یک نام برده شدند (قمی، ۱۳۶۱، ص ۱۵۸) و حتی به کاریز و قناتی که سعد بن عامر بن سعد اشعری در قم حفر کرده بود، اشاره شده است (همان، ص ۴۱). مقایسه اجداد سعد بن سعد اشعری و احمد بن محمد بن عیسی اشعری نشان می‌دهد اولی از نیاکان محدث قمی دوم است؛ با این حال احمد عیسی برای دسترسی به سلسله سند سعد بن سعد، از نقل برقی و پدرش استفاده کرده است. مطالعه کتاب‌های رجال نیز حاکی است همه کتاب‌های سعد بن سعد را احمد برقی و پدرش به رجال‌شناسان معرفی کردند. در طریق کتاب باب بندی نشده سعد بن سعد، احمد برقی به نقل از پدرش روایت می‌کند و همین‌طور در کتاب مسائل سعد از امام رضا (ع) نیز برقی پدر حضور دارد (نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۱۷۹).

طوسی نیز دو بار از سعد اشعری یاد می‌کند؛ یک بار با نام سعد بن سعد اشعری (طوسی، ۱۴۲۲، ص ۷۶) و بار دیگر با نام سعد بن احوص اشعری (همانجا) که رجال‌شناسان معاصر با قرآنی، هر دو نفر را یکسان دانستند (نک: خویی، ۱۴۱۳، ج ۹، ص ۵۶).

یکی از این قرائن آن است که در هر دو بار نیز احمد برقی، راوی کتاب سعد است. افزون بر آن، برقی و پدرش راوی احادیث برادر سعد، اسماعیل بن سعد احوص اشعری هم هستند (نک: خویی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۵۲) که نشان می‌دهد احتمالاً خاندان برقی کتاب‌های خاندان سعد اشعری را در اختیار داشتند.

طبق شمارش خویی، سعد بن سعد اشعری بالغ بر ۱۱۰ روایت در کتاب‌های اربعه شیعه حدیث دارد (خویی، ج ۹، صص ۶۲ و ۶۸) که در بیشتر این روایات احمد برقی یا پدرش راوی وی هستند (برای نمونه نک: کلینی، ۱۳۸۹، ج ۳، صص ۷۴، ۳۵۸ و ۵۱۴؛ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۷۶؛ طوسی، ۱۳۶۳، ج ۱، صص ۲۹۲، ۳۱۶ و ۳۴۰؛ همان، ۱۳۶۵، ج ۲، صص ۱۹۵ و ۲۷۲).

در *المحاسن برقی* نیز روایاتی از برقی از سعد بن سعد اشعری یافت می‌شود (برقی، بی‌تا-ب، ج ۲، صص ۴۶۲ و ۴۷۷)؛ در حالی که هیچ روایتی برای نقل برقی از سعد بن عبدالله یافت نشد. بیشتر روایات برقی از سعد بن سعد به صورت پرسش‌های سعد با واسطه یا بی-واسطه از امام رضا است که نشان می‌دهد کتاب دوم یعنی «مسائله للرضا (ع)» که نجاشی برای سعد یاد کرد، به صورت این روایات پراکنده در منابع حدیثی باقی ماندند. افزون بر آن، برقی کتاب‌هایی درباره تاریخ داشته است.

نجاشی از کتابی با نام *کتاب التاریخ* یاد می‌کند (نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۷۶) در تاریخ قم مکرر از کتاب «بنیان» احمد برقی درباره اسامی روستاها و آبادی‌ها یا افرادی که آنها را بنا کردند، نقل قول می‌شود (قمی، ۱۳۶۱، صص ۲۰، ۵۶، ۵۹ و ۸۱). در فهرست کتاب‌های برقی که توسط طوسی و یاقوت حموی ارائه شده است به نام کتاب «تبیان» اشاره می‌شود که احتمالاً همان کتاب مورد ارجاع تاریخ قم است (طوسی، ۱۴۲۲، ص ۶۴؛ یاقوت حموی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۴۳۲؛ و نیز نک: حاجی خلیفه، بی‌تا، ج ۱، صص ۲۸۸ و ۳۴۲).

به نظر می‌رسد چون کتاب تاریخ قم به فارسی ترجمه شده است و از نسخه عربی اثری باقی نیست، احتمال دارد نام کتاب برقی در آنجا تحریف شده باشد. به هر روی بر اساس همین کتاب تاریخ قم، محمد برقی از سعد بن سعد اشعری درباره فضیلت شهر قم نقل می‌کند (قمی، ۱۳۶۱، ص ۹۷).

از این رو شاید بتوان گفت آن کتاب سعد اشعری که برقی در دو کتابش از آن یاد کرده، اطلاعاتی تاریخی و رجالی داشته است. به نظر می‌رسد این کتاب اثری مشهور و مورد استفاده بوده است؛ زیرا از نگاه نجاشی مخاطبان عبارت کتاب سعد را خواهند شناخت، چه به صورت مبوب و چه به صورت غیر مبوب؛ پس نیاز به توضیحی بیشتر ندیده است. گفتنی است به رغم جستجوی فراوان همه کتاب‌های حدیثی، هیچ روایتی از احمد برقی یا خاندان و فرزندان او از سعد بن عبدالله قمی یافت نشد. بر اساس اطلاعات ذکر شده، روشن و بدیهی است که عبارت مبهم «کتاب سعد» در کتاب رجال برقی به کتاب سعد بن سعد اشعری و نه کتاب سعد بن عبدالله قمی، باز می‌گردد.

۳-۳-۲. سماع از حمیری

عبدالله بن جعفر حمیری بزرگ قمی‌ها بود که بعد از سال ۲۹۰ وارد کوفه شد و مجلس سماع حدیث وی آنجا رونق گرفت (نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۲۱۹). او بیش از همه به نگاشتن کتاب‌هایی درباره قرب الاسناد به سه امام هشتم، نهم و دوازدهم شهرت دارد. درباره سال شمار زندگی و وفات حمیری قبل از تاریخی که ارائه شد، اطلاعاتی در دست نیست.^۱ طبقاتی که برای وی در زمره اصحاب امام رضا(ع) (۲۰۴ ق) (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۳۸۹) و امام عسگری(ع) (۲۶۰ ق) (همان، ص ۴۰۰؛ برقی، بی تا-الف، ص ۶۰) ذکر کردند، بیشتر باعث ابهام در زمان زیست حمیری شده است. خویی فاصله زیاد نود ساله بین درک امام رضا(ع) و آخرین تاریخی را که برای زنده بودن حمیری ذکر کردند، بعید و دور از پذیرش می‌داند (خویی، ۱۴۱۳، ج ۱۱، ص ۱۵۰).

آنچه مسلم است حمیری که در پایان قرن سوم، مجالس حدیثی شهرت یافته‌ای در کوفه می‌یابد، در نیمه این قرن انبان دانش خود را از احادیث و طرق آنها انباشته است. پس بعید نیست که اسناد و طرقی داشته که برای استادش احمد برقی، تازه است و باعث سماع

۱- گرچه در ضمن سندی از حمیری نقل می‌شود که در مجلس به سال ۲۷۸ قمری در قم حاضر بوده که در آن وصف

امام یازدهم ذکر شده است (نک: طوسی، ۱۴۲۲، ص ۸۶).

احمد برقی از وی شده است. از این رو عبارت احمد برقی در الرجال «الذی سمعت منه بالفتح» چندان عجیب نمی‌نماید، گرچه سماع استاد از شاگرد باشد.

آنچه که این نکته را بیشتر روشن می‌کند، عبارت دوم «بالفتح» است. اولین توجیهی که برای این عبارت به ذهن می‌رسد، ضبط کلمه حمیری است اما این توضیح چندان برای اسم حمیری لازم نمی‌نماید؛ زیرا تلفظ چندگانه‌ای ندارد و یای حمیری که انتساب به قبیله-ای مشهور را می‌رساند، همیشه مفتوح است (سمعانی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۲۷۰). فتح می‌تواند نام مکانی باشد که برقی از حمیری سماع داشته است. اما در شهر قم و اطراف آن به مکانی با این اسم اشاره نشده بود. تنها فرضیه باقیمانده آن است که فتح نام شخصی باشد و به این ترتیب منظور برقی آن است که «از حمیری درباره فتح سماع داشتم».

در بین روایان صاحب کتاب، تنها راوی با نام «فتح بن یزید جرجانی» یافت می‌شود. در سند نقل کتاب فتح، حمیری از احمد برقی نقل می‌کند (نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۳۱۱). بنابراین احتمالاً عبارت برقی به همین سماع اشاره دارد؛ با این تفاوت که در طریق نجاشی حمیری از احمد برقی کتاب را اخذ کرده است و طبق نسخه رجال برقی، احمد برقی از حمیری آنها را سماع کرده است.

احتمال دارد چون همیشه حمیری از برقی نقل کرده و طریق داده است؛ مستسخین بعدی طریق را اصلاح کردند به حمیری از برقی تا مطابق باقی اسناد و طرق باشد. قرینه‌ای که این احتمال را تقویت می‌کند توضیحی است که پسر حمیری، محمد بن عبدالله بن جعفر، درباره کتاب‌های برقی آورده است. وی می‌آورد که از یکی از کتاب‌های احمد برقی نسخه برداری کرده و از روایانش نقل نموده است؛ اما کتاب را از دست می‌دهد و به رغم جستجو از شیعیان قم، بغداد و ری نشانی از آن نمی‌یابد (نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۳۵۴).

همچنین احتمال دارد از دست رفتن برخی روایات و کتاب‌های احمد برقی سبب شده، طریق کامل، دقیق و صحیح به روایات وی از دست برود و دیگر ناقلان بر اساس روش نقل همیشگی، نگاشته‌ها و مسموعات وی را تغییر بدهند.

۳-۳-۳. اشاره به صاحب کتاب بودن

نجاشی (نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۱۰۱) و طوسی (طوسی، ۱۴۲۲، ص ۲۴۰) در کتاب‌های رجالی که نگاشتند، وقتی به نام خود می‌رسند، به عبارت «مصنّف هذا الكتاب» اشاره دارند. با این همه به نظر نمی‌رسد این رسم متداولی میان نویسندگان کتاب تراجم و رجال‌نگاری باشد که هنگام اشاره به نام خود، به نویسنده و صاحب آن کتاب بودن اشاره کنند؛ بلکه احتمالاً شیوه‌ای است که بیشتر در کتاب‌های رجالی بعد از قرن پنجم دیده می‌شود؛ برای نمونه ابن شهر آشوب (۵۸۸ ق) در *معالم العلماء* هنگام اشاره به نام خود، تالیفاتش را معرفی می‌کند و به صاحب کتاب بودن اشاره دارد (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰، ص ۱۵۰). علی بن محمد علوی (۷۰۹ ق) نیز هنگام برشمردن انساب علویان به صورت شجره نامه‌ای و طبقه‌ای به نام و نسب و فرزندان اشاره می‌کند و خود را صاحب کتاب معرفی می‌کند (علی بن محمد علوی، ۱۴۰۹، ص ۲۹۱).

از مطالعه کتاب‌های رجالی قرن دوم و سوم چنین برمی‌آید که این رسم بین نویسندگان آن رایج نبوده است که به نام خود ذیل طبقات مربوطه اشاره یا به صاحب کتاب بودن تصریح کنند. برای مثال ابن سعد (۲۳۰ ق) با وجود آنکه در کتاب *الطبقات الکبری* از معاصرانی که چند سالی پیش از وی در گذشتند، یاد می‌کند (برای نمونه نک: ابن سعد، بی تا، ج ۷، ص ۵۱۹)، هیچ‌گاه از خود ذیل طبقات بزرگان اهل بصره نام نمی‌برد. خلیفه بن خیاط (۲۴۰ ق) نیز در کتاب طبقات خود از جدش خلیفه بن خیاط نام می‌برد و تصریح می‌کند که او پدر بزرگ من است (خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۴، ص ۳۸۴) اما به نام خود یا صاحب تألیف بودن خویش اشاره ندارد.

گذشته از این موارد، روش *الرجال* برقی در قریب به اتفاق طبقات و رجال نام برده شده، به صورت ذکر نام به تنهایی ذیل هر امام است و اطلاعات دیگری درباره آنها داده نشده است. از این رو هنگام ذکر نام محمد برقی، احمد برقی، حمیری و دیگر کسانی که صاحب تألیف هستند، به نام کتاب‌های آنها اشاره نشده است تا در ضمن آن به صاحب کتاب *الرجال* بودن هم اشاره شود.

با این اوصاف، رسم و آیینی که معاصران انتظار دارند در رجال احمد برقی به جا آورده شود تا مشخص گردد وی صاحب کتاب بوده است، تنها بر اساس شیوه و روش کتاب‌نویسی نویسندگان قرون میانی است. افزون بر آن سبک نگارش مختصرنویسی رجال برقی این انتظار را دور و کمرنگ می‌کند.

۴. نویسنده رجال برقی

با دلایلی چند به نظر می‌رسد که نویسنده کتاب *الرجال* برقی، احمد بن محمد برقی است. این دلایل بدین شرح است:

۴-۱. تصریح متقدمان

نخستین و مهم‌ترین دلیل آنکه نجاشی و طوسی هر دو از میان خاندان برقی، تنها به کتاب رجالی داشتن احمد برقی اشاره دارند (نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۷۶؛ طوسی، ۱۴۲۲، ص ۲۱). هر دو رجالی، پدر و برخی خاندان برقی مانند داماد و نوه‌های احمد برقی را نام بردند؛ اما برای هیچ یک از آنها کتابی رجالی یاد نکردند. افزون بر آن، هیچ کدام حتی شرح حال ویژه و خاص برای عبدالله بن احمد برقی پسر احمد یا نوه وی احمد بن عبدالله ذکر نکردند. گفتنی است با آنکه شوشتری مدعی است هر دوی آنها از اساتید کلینی و صدوق بودند (شوشتری، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۵)، به رغم جستجوی گسترده و با کلید واژه‌های مختلف، هیچ روایت و نقلی از عبدالله بن احمد برقی در کتاب کافی یافت نشد. احمد بن عبدالله بن احمد برقی نیز هیچ‌گاه استاد صدوق نبوده است، بلکه با توجه به اسناد کتاب‌های شیخ صدوق، علی بن احمد بن عبدالله بن احمد برقی استاد صدوق است (برای نمونه نک: صدوق، ۱۴۱۷، صص ۶۵، ۸۸، ۱۱۱ و ۲۴۷؛ همان، ۱۳۸۷، صص ۹۹ و ۱۰۳).

یاقوت حموی (۶۲۶ ق) نیز از کسانی است که به واسطه اطلاعاتی که از یک کتاب تاریخی درباره شهر اصفهان اخذ کرده، به خوبی با زندگینامه و اسامی کتاب‌های احمد برقی آشناست و به صراحت «کتاب طبقات الرجال» را برای وی یاد می‌کند (یاقوت

حموی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۴۳۲). از این رو تصریح رجالیان متقدم و بزرگ امامی و اهل سنت می‌تواند قرینه‌ای اصلی باشد که کتاب رجال فعلی را به احمد برقی نسبت دهیم.

۴-۲. انصراف به نام احمد برقی

نجاشی هنگام نام بردن از کتاب‌های شیخ صدوق به کتاب «المعرفه بر رجال البرقی» اشاره می‌کند (نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۳۹۲)؛ گرچه از سخنان طوسی برمی‌آید که صدوق هیچ‌گاه کتاب رجالش را تمام نکرد (طوسی، ۱۴۲۲، ص ۲۳۸). به هر روی از کلمات نجاشی و عنوان کتاب صدوق چنین استنباط می‌شود که رجالیان متقدم بدون ذکر نام کوچک برقی از انتساب کتاب رجالی وی یاد می‌کردند و نزد همگان روشن بوده است که نویسنده آن کیست. شاید بهترین راه برای نزدیک شدن به لسان و فضای ذهنی رجالیان و محدثان کهن، مراجعه به عبارات و نگاه‌هاست آنان درباره استعمال نام «برقی» باشد.

از مطالعه لابلای متون رجالی کهن برمی‌آید که معمولاً نام «برقی»، اگر به صورت مطلق بیاید، به احمد برقی انصراف دارد. بالغ بر ده مورد در *الرجال* نجاشی، نام برقی در اسناد طرق به صورت مطلق آمده است (برای نمونه نک: نجاشی، ۱۴۲۴، صص ۶۲، ۱۷۳، ۱۷۹، ۲۹۳، ۳۱۵، ۳۵۰، ۳۶۱، ۴۵۱، ۴۵۳، ۴۵۶، ۴۵۷ و ۴۶۱). بررسی و مقایسه با دیگر کتب رجالی و حدیثی نشان می‌دهد مراد از برقی به صورت مطلق در لسان و کاربرد نجاشی، احمد برقی است. برای نمونه نجاشی در شرح حال عبدالملک بن منذر می‌آورد: «قال حدثنا ابن بطة قال حدثنا البرقي قال حدثنا عبد الملك بكتابه» (همان، ص ۲۴۰).

طوسی نیز در *الرجال*، این راوی را با وصف «روی عنه البرقی» (همان که برقی از وی نقل می‌کند) معرفی کرده است (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۳۴). طریقی که طوسی در *الفهرست* به کتاب عبدالملک بن منذر می‌دهد، چنین است: «له کتاب آخرینا به جماعة عن أبي المفضل عن ابن بطة عن أحمد ابن أبي عبد الله عن عبد الملك بن المنذر» (طوسی، ۱۴۲۲، ص ۱۷۹). طریق طوسی ابهام نام برقی را برطرف و روشن می‌کند که منظور نجاشی احمد برقی بوده است.

در نمونه دیگر، نجاشی درباره کتاب عمران بن اسماعیل می‌آورد: «حدثنا البرقي عنه بكتابه» (نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۲۹۳). بررسی کتاب‌های حدیثی نشان می‌دهد احمد بن محمد برقی است که راوی احادیث و کتاب عمران بن اسماعیل بوده است (نک: کلینی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۵۵۲).

از سوی دیگر با مطالعه و بررسی کتاب الرجال طوسی نیز نکاتی تأیید کننده برای انصراف نام برقی به احمد برقی به دست می‌آید. طوسی در باب «من لم یرو عن واحد من الأئمة» بیش از پانزده بار راویانی را معرفی می‌کند که تنها با وصف «همان که برقی از او نقل کرده است» شناخته می‌شوند (برای نمونه نک: طوسی، ۱۴۱۵، صص ۴۱۴، ۴۱۷، ۴۲۵، ۴۲۸، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۴۸ و ۴۵۰). مقایسه اسامی و سندها نشان می‌دهد، مراد طوسی از برقی که به طور مطلق آمده، احمد برقی است. یکی از این موارد حسین بن زبرقان است که با بررسی اسناد کتاب‌های حدیثی مشخص می‌شود احمد برقی است که از وی نقل دارد (برای نمونه نک: صدوق، بی‌تا، صص ۶۳ و ۳۸۵؛ کلینی، ۱۳۸۹، ج ۶، صص ۳۷۹ و ۴۶۳).

مثال دیگر آن یحیی بن ابراهیم بن ابی‌البلاد (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۴۵۰) است که در اسناد احادیث زیادی احمد برقی راوی اوست (نک: کلینی، ۱۳۸۹، ج ۲، صص ۱۴۶، ۳۴۹، ۴۷۶ و ۶۱۸). نمونه‌هایی از این دست در رجال نجاشی و طوسی فراوان است که نشان می‌دهد رجالیان و گاه محدثان معمولاً نام برقی، به صورت مطلق، را برای احمد بن محمد برقی به کار می‌بردند و به احتمال قریب به یقین مراد از رجال برقی در عنوان کتاب صدوق هم همین نویسنده از خاندان برقی بوده است.

۳-۴. شهرت احمد برقی

بی‌تردید از میان خاندان وسیع و مشهور برقی که بیشتر آنها از محدثان و اخباریان قم بودند، احمد بن محمد برقی مشهورترین، پرتألیف‌ترین و بزرگ‌ترین فرد خاندان بوده است. به‌ویژه در زبان و ادبیات رجالی نام وی مکرر به چشم می‌خورد. قرائنی از همان کتاب‌های رجالی این شهرت را تأیید می‌کند که دو در بخش نسب‌شناسی خاندان برقی و حضور در طرق و اسناد روایات قابل ارزیابی است.

۴-۳-۱. محور خاندان برقی

اشاره شد که خاندان احمد برقی شامل عموها و عموزادگان وی با کتاب‌ها و روایاتی که نقل کردند، در کتاب‌های رجالی معرفی شدند. معمولاً در این معرفی‌ها، احمد برقی محور یا راوی طریق کتاب‌های آنان است (برای نمونه نک: طوسی، ۱۴۲۲، ص ۹۹). محمد ماجیلویه که از بزرگان امامیه در قم است داماد احمد برقی است (نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۳۵۳). علی پسر ماجیلویه نیز نوه دختری احمد برقی و از شاگردان تعلیم یافته توسط برقی معرفی می‌شود (همان، ص ۲۶۱). این نوه راوی برخی اسناد و کتاب‌های احمد برقی است (نک: همان، صص ۳۲ و ۵۹).

از اسناد طرق طوسی برمی‌آید که احمد بن عبدالله برقی، برخلاف آنچه در یک سند نجاشی آمده (همان، ص ۳۳۵)، نوه دختری احمد برقی و نه پسر یا از نوادگان پسر احمد برقی است: «قال حدثنا أحمد بن عبد الله ابن بنت البرقي قال حدثنا جدي أحمد بن محمد» (طوسی، ۱۴۲۲، ص ۶۴). ابوطاهر برقی نیز پسر دیگر محمد بن خالد برقی معرفی نمی‌شود، بلکه وی را برادر احمد برقی می‌خوانند تا سریع‌تر نزد خوانندگان کتاب‌های رجالی شناخته شود (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۳۹۴).

از سوی دیگر، به جز معرفی خاندان برقی، معمولاً افرادی که از اطرافیان و معاصران برقی بودند و کتاب و تألیفی داشتند، با آدرس‌دهی به برقی معرفی می‌شوند. برای نمونه صاحب‌خانه‌ای که احمد برقی در آن اقامت داشته ابوالقاسم صیرفی است. ضمن شرح حال وی از مکان زندگی و اصالتش، به اینکه او صاحب‌خانه برقی هم اشاره می‌شود (نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۲۳۸). یا در نمونه دیگر اسماعیل بن سمکه بن عبدالله از غلمان و اصحاب احمد برقی معرفی می‌شود (همان، ص ۹۷؛ طوسی، ۱۴۲۲، ص ۷۷).

۴-۳-۲. راوی طرق و آسناد

هیچ یک از رجالیان و تراجم‌نگاران امامی، کتاب‌های احمد برقی را شمارش نکرده و عددی تخمینی ارائه نکردند؛ اما یاقوت حموی که به سبب کتاب السیر برقی، به او توجه خاص پیدا کرده می‌گوید: «تصانیف وی نزدیک به صد کتاب است» (نک: یاقوت حموی،

۱۹۷۹، ج ۱، ص ۳۸۹). بنابراین گزاف نیست اگر احمد برقی را، به جز کتاب‌های خودش، راوی و ناقل صدها کتاب حدیثی در مجموعه احادیث و کتاب‌های امامیه بدانیم. فهرستی که احمد برقی از کتاب‌های راویان پیش از خودش در دست داشته، چنان پرشمار و عظیم بوده که برای نگارش مجدد آنها، از محدثان قم، ری و بغداد یاری گرفته شده است (نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۳۵۵).

احمد برقی به واسطه اتصال به پدرش که حلقه ارتباطی مهمی با راویان عصر صادقین (ع) و عصر حضور ائمه، محسوب می‌شد، به منابع اولیه حدیث امامیه دسترسی داشت. وی نه تنها این منابع و طرق و اسناد آنها را در دست داشت که اشراف و دانش کاملی هم درباره احوال راویان و صاحبان کتاب امامی داشت که سبب می‌شد از اقوال و قضاوت‌هایش در کتاب‌های رجال به دفعات یاد شود. از احمد برقی نقل می‌شود که علی بن مهزیار، کتاب‌های حسین بن سعید اهوازی را اخذ کرد و سه کتاب به آنها افزود (طوسی، ۱۴۲۲، ص ۱۵۲). از احمد برقی در رجال نجاشی نقل می‌شود که عبدالعظیم حسنی چگونه وارد ری شد و در چه محلی درگذشت (نجاشی، ۱۴۲۴، ص ۲۴۸).

به صورت کلی احمد برقی در طرق و سنددهی به ده‌ها کتاب در الرجال نجاشی و الفهرست طوسی حضور دارد که گاه به‌تنهایی از صاحب کتاب نقل می‌کند و گاه با واسطه پدرش محمد بن خالد، سند می‌دهد (برای نمونه نک: همان، صص ۱۳۰، ۴۵۷، ۴۵۸ و ۴۶۱؛ طوسی، ۱۴۲۲، صص ۵۶، ۹۹ و ۱۳۴).

لازم به ذکر است به نظر می‌رسد این حضور احمد برقی در اسناد و طرق رجالیان نسبت به علم و داشته‌های وی چندان هم چشمگیر و قابل توجه نیست و همه فهارس برقی را پوشش نمی‌دهد. در یکی از اسناد کافی، روایتی نقل می‌شود که احمد برقی در سند آن حضور دارد: «حدثني محمد بن يحيى عن محمد بن الحسن الصفار عن أحمد بن أبي عبد الله عن أبي هاشم» (کلینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۵۲۶). در ادامه سند می‌آید که محمد بن یحیی به صفار می‌گوید: «دوست داشتم این خبر از غیر نقل احمد برقی می‌آمد».

احتمالاً خرده‌گیری‌های محدثان سختگیر قمی بر احمد و پدرش (ابن غضائری، ۱۴۲۲، ص ۳۹ و ۹۳) سبب شده محدثان تا حدّ ممکن از طرق و اسناد برقی دوری کنند و

اگر طریقی جز برقی، برای یک حدیث یا کتاب حدیثی در دست است، از آن استفاده کنند. این رویکرد اجتناب از طرق برقی، نزد بیشتر محدثان قمی در سده‌های بعدی مانند کلینی و صدوق نیز دیده می‌شود (برای تفصیل بیشتر نک: فرجامی، ۱۳۹۴، ص ۳۲۵). به هر روی به سبب شهرت و نام‌آوری احمد برقی نسبت به دیگر اعضای خاندان برقی، طبیعی به نظر می‌رسد که کتاب رجالی وی تنها با اطلاق برقی یاد شود، درحالی که مراد احمد برقی است.

نتیجه‌گیری

اختلافی که درباره انتساب رجال برقی وجود دارد، بیش از همه برخاسته از کم‌توجهی به کتاب‌های برقی است. موضوع کتاب‌های برقی که بیشتر به شناخت شهرها و سرزمین‌ها و اخبار تاریخی می‌پردازد یا احادیثی که درباره آداب و رسوم معاشرت و مستحبات است، کمتر به فقه و اصول فقه حوزه های شیعه و نیز علم کلام خاص امامیه ارتباط داشته است. از این رو شاید استنساخ و مکرر رواج آن، چندان لازم و حیاتی به نظر نیامده است.

کتاب *المحاسن* با وجود گستردگی و داشتن سندهای کهن قرن سوم، دچار افتادگی و نقصان شده و *الرجال*، به سبب اختصار و خالی بودن از اطلاعات جرح و تعدیلی معمولاً در بررسی‌های سندی و رجالی مغفول واقع شده است.

با آنکه کشی فرد نامداری میان محدثان امامی نبوده است، طوسی کتاب رجالی وی را برگزیده تا مختصر کند. تنها صدوق احتمالاً به سبب آشنایی بیشتر با نوادگان و خاندان برقی، کوشیده توضیح و ویرایشی بر کتاب *الرجال* برقی انجام دهد که تلاشش به سرانجام نرسیده است.

درباره نویسنده کتاب *الرجال* برقی، در سده‌های اخیر، شبهه و اشکالاتی وارد شده است. گاهی آن را به پدر برقی و گاهی به نوادگان برقی نسبت می‌دهند. برخی دلایلی که برای این تغییر انتساب مطرح می‌کنند، به قطع قابل ردّ و خدشه است.

از سوی دیگر، مطالعه عمیق و جزئی کتاب‌های رجالی و اسناد حدیثی جای تردید باقی نمی‌گذارد که این کتاب متعلق به احمد برقی است که بزرگ‌خاندان برقی در سده سوم بود و کتاب‌های بی‌شمارش در منابع و فهرست‌نویسی‌های اهل سنت نیز راه یافت. مهم‌ترین این قرائن، تصریح بزرگان و متقدمان رجالی است که از میان خاندان برقی تنها برای احمد برقی کتاب رجالی قائل هستند.

منابع:

۱. آقابزرگ تهرانی، (۱۹۸۳م)، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، بیروت: دار الاضواء، چاپ سوم.
۲. ابن سعد، محمد، (بی تا)، *الطبقات الکبری*، بیروت: دارصادر.
۳. ابن شهر آشوب، ابوعبدالله محمد بن علی، (۱۳۸۰ق)، *معالم العلماء*، چاپ دوم، نجف: مطبعة الحیدریه.
۴. ابن غضائری، احمد بن حسین، (۱۴۲۲ق)، *الرجال*، تحقیق محمدرضا حسینی جلالی، قم: دارالحدیث.
۵. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، (۱۳۵۰ش)، *الفهرست*، تحقیق رضا تجدد، تهران: نشر حکمت.
۶. برقی، احمد بن ابوعبدالله، (بی تا، الف)، *الرجال*، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم.
۷. برقی، احمد بن محمد بن خالد، (بی تا، ب)، *المحاسن*، تحقیق جلال الدین حسینی محدث ارموی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۸. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، (بی تا)، *کشف الظنون عن أسامی الکتب والفنون*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۹. خلیفه بن خیاط، (۱۴۱۴ق)، *تاریخ خلیفه*، به کوشش سهیل زکار، بیروت: دارالفکر.
۱۰. خویی، ابوالقاسم، (۱۴۱۳ق)، *معجم الرجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة*، چاپ پنجم، نجف: دارالعلم.
۱۱. سبحانی، جعفر، (۱۴۱۴ق)، *کلیات فی علم الرجال*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعة المدرسین.
۱۲. سمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن محمد، (۱۴۰۸ق)، *الانساب*، تحقیق عبدالله عمر بارودی، بیروت: دارالجنان.

۱۳. شوشتری، محمد تقی، (۱۴۱۹ق)، **قاموس الرجال**، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
۱۴. صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۷ق)، **الامالی**، قم: مؤسسه البعثه.
۱۵. صدوق، محمد بن علی، (۱۳۸۷ق)، **التوحید**، به کوشش سید هاشم حسینی، قم: جماعة المدرسين فی حوزه العلمیه.
۱۶. صدوق، محمد بن علی، (بی تا)، **الخصال**، به کوشش علی اکبر غفاری، قم: جماعة المدرسين فی الحوزه العلمیه.
۱۷. صدوق، محمد بن علی، (۱۴۰۴ق)، **من لایحضره الفقیه**، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: جامعه المدرسين.
۱۸. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، (۱۳۶۳ش)، **الاستبصار فیما اختلف من الاخبار**، تحقیق سید حسن خراسان، تصحیح محمد آخوندی، چاپ چهارم، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، (۱۳۶۵ش)، **تهذیب الاحکام**، تحقیق حسن خراسان، تصحیح محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، (۱۴۱۵ق)، **الرجال**، تحقیق جواد قیومی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين.
۲۱. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، (۱۴۲۲ق)، **الفهرست**، تحقیق جواد قیومی، چاپ دوم، قم: نشر الفقاهه.
۲۲. علی بن محمد علوی، (۱۴۰۹ق)، **المجدي فی أنساب الطالبین**، تحقیق دکتر احمد مهدوی دامغانی، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی.
۲۳. فرجامی، اعظم، (۱۳۹۴ش)، **زیدیه و حدیث امامیه**، قم: دارالحدیث.
۲۴. قمی، محمد بن حسن، (۱۳۶۱ش)، **تاریخ قم**، ترجمه حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی، تحقیق سید جلال الدین تهرانی، تهران: توس.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۹ق)، **الکافی**، تحقیق علی اکبر غفاری، چاپ دوم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۶. ملکیان، محمدباقر، (۱۳۹۲ش)، «**نیم نگاهي به کتاب رجال همراه**»، فصلنامه آینه پژوهش، خرداد و تیر ماه، شماره ۱۴۰.

۲۷. نجاشی، احمد بن علی، (۱۴۲۴ ق)، **الرجال**، تحقیق موسی شبیری زنجانی، چاپ هفتم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین.
۲۸. یاقوت حموی، أبو عبدالله بن عبدالله رومی، (۱۴۱۱ ق)، **معجم الأدباء أو إرشاد الأريب إلى معرفة الأديب**، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۹. یاقوت حموی، أبو عبدالله بن عبدالله رومی، (۱۹۷۹ م)، **معجم البلدان**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

Bibliography:

- 1- 'Alawī ABM. Al-Majdī fī 'Ansāb al-Ṭālibīn. Research: Mahdawi Damghani A. Qom: Ayatollah Mar'ashī Library; 1409 AH.
- 2- Aḡā Buzurg Tehrani MM. Al-Dharī' a ilā Taṣānif al-Shī' a. Beirut: Dar al-' Aḡ wa'; 1983.
- 3- Barqī ABM. Al-Maḥāsīn. Research: Hosseini Mohaddith Ormavi JD. Tehran: Dar al-Kutub al-Islāmīyah; nd.-B.
- 4- Barqī ABM. Al-Rijāl. Research: Muṣṭafāvi H. Tehran: University of Tehran; 2nd ed.: nd.-A.
- 5- Farjami A. Zaydīyah and Imamī Hadith. Qom: Dar al-Hadith; 1394 HS.
- 6- Hajīkhalīfah (Mullā Katib Al-Chalapī) MB' A. Kashf Al-Zunūn ' an Asāmī Al-Kutub wa Al-Funūn. Beirut: Dār 'Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī; nd.
- 7- Ibn Bābiwayh MBA (Shaikh Ṣadūq). Al-'Amālī. Qom: Mu'assisah al-Bi'thah; 1417 AH.
- 8- Ibn Bābiwayh MBA (Shaikh Ṣadūq). Al-Khiṣāl. Research: Ghaffari AA. Qom: Jama'at al-Mudarrisīn; nd.
- 9- Ibn Bābiwayh MBA (Shaikh Ṣadūq). Al-Tawḥīd. Research: Hosseini SH. Qom: Jami'at al-Mudarrisīn; 1387 AH.
- 10- Ibn Bābiwayh MBA (Shaikh Ṣadūq). Man Lā Yaḥḍuruh al-Faqīh. Research: Ghaffari AA. Qom: 2nd ed.: Jama'at al-Mudarrisīn; 1404 AH.
- 11- Ibn Ghaḍā'irī ABH. Al-Rijāl. Research: Hosseini Jalali MR. Qom: Dar al-Hadith; 1422 AH.
- 12- Ibn Nadīm MI. Al-Fihrist. Research: Tajaddud R. Tehran: Ḥaq Publications; 1350 HS.
- 13- Ibn Sa' d M. Ṭabaqāt Al-Kubrā. Beirut: Dār Ṣādir; nd.
- 14- Ibn Shahr ' Āshūb, MA. Ma'ālim al-'Ulamā'. Najaf: Al-Haydarīyah Publications; 1380 AH.

- 15- Khalīfah ibn Khayyāṭ . The History of the Caliph. Research: Suhayl Zakkār. Beirut: Dār al-Fikr; 1414 AH.
- 16- Khu'ī S'A. Mu'jam al-Rijāl al-Hadīth wa Tafṣ īl Ṭabaqāt al-Ruwāt. Najaf; np.: 5th ed.: 1413 AH.
- 17- Kulaynī MBY. Al-Kāfī. Research: Ghaffari AA. Tehran: Dar Al-Kutub Al-'Islāmīyah; 1389 HS.
- 18- Malekian MB. A Glance at the Pocket Book of Rijāl. Ayene Pazhouhesh. 1392 HS; 140.
- 19- Najāshī ABA. Al-Rijāl. Research: Shobayri Zanjani M. Qom: Mu'assisah al-Nashr al-Islāmī; 7th ed.: 1424 AH.
- 20- Qomī MBH. The History of Qom. Trans: Qomī HBA. Research: Tehrani SJD. Tehran: Tous; 1361 HS.
- 21- Sam' ānī ASAKM. Al-'Ansāb. Research: Abdullah 'Umar Bārūdī. Beirut: Dar al-Janān; 1408 AH.
- 22- Shūsharī MT. Qāmūs al-Rijāl. Qom: Mu'assisah al-Nashr al-Islāmī; 1419 AH.
- 23- Subhānī J. Kullīyāt fī 'Ilm al-Rijāl. Qom: Mu'assisah al-Nashr al-Islāmī; 1414 AH.
- 24- Ṭ ūsī MBH. Al-Fihrist. Research: Qayoumi J. Qom: Nashr al-Fiqāha; 2nd ed.: 1422 AH.
- 25- Ṭ ūsī MBH. Al-'Istibṣ ār fī mā 'Ukhtulifa min al-Akhhbār. Research: Kharsan SH. Edited: Akhondi M. Qom: 4th ed.: Dar al-Kutub al-Islamiyah.
- 26- Ṭ ūsī MBH. Al-Rijāl. Research: Qayoumi J. Qom: Mu'assisah al-Nashr al-Islāmī; 1415 AH.
- 27- Ṭ ūsī MBH. Tahdhīb Al-Aḥ kām. Research: Kharsan SH. Edited: Akhondi M. Tehran: Dār Al-Kutub Al-Islāmīyah; 4th ed.: 1415 AH.
- 28- Yāqūt Hamawī AABA. Mu'jam al-Buldān. Beirut: Dār 'Iḥ yā' al-Turāth al-'Arabī; 1979.
- 29- Yāqūt Hamawī AABA. Mu'jam al-'Udabā' aw 'Irshād al-'Arīb 'ilā Ma'rifa al-'Adīb. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyah; 1411 AH.

A Study of the Author of Al-Rijāl Al-Barqī

Farima Mirzaiee¹

Azam Farjami²

Jamal Farzandwahy³

Received: 15/08/2018

Accepted: 02/03/2019

Abstract

The Early biographers (rijālis) usually mention “the book of al-Rijāl” among the works of Ahmad bin Mohammad Al-Barqī; Ibn Nadīm is of the first scholars who ascribed this book to Ahmad’s father, Muhammad ibn Khālid Barqī, and even ascribed Ahmad’s another book, Al-Maḥ āsin, to the father, as well. Afterwards, some contemporary scholars including Āqā Buzurg Tehrani repeated this claim in another way. Among all, the theory of Shūshtarī, who proposed the last idea and attributed al-Rijāl to Ahmad’s grandson, today is accepted and argued to be true. However, he made mistake of comprehending a phrase used by Barqī in his book and hence that’s why Shūshtarī had such an idea; for the phrase “Sa’d’s book” refers to the book of “Sa’d bin Sa’d”, not the book of “Sa’d bin Abdullah”, as Shūshtarī claimed. The early biographers’ clear statements, referring the name of Barqī to Ahmad Barqī in Rijāl books, as well as, the general reputation of Ahmad al-Barqī, are some reasons which ascribe al-Rijāl to him.

Keywords: Ahmad ibn Mohammad Barqī, Al- Rijāl of Al-Barqī, Rijāl science, History of Hadith.

1. Master of Qur’an and Hadith Sciences, Razi University, Iran, (mirzaie.f72@gmail.com).

2. Assistant Professor, Department of Theology, Razi University, Iran. The Corresponding Author, (azamfarjami@yahoo.com).

3. Assistant Professor, Department of Theology, Razi University, Iran. The Corresponding Author, (farzandwahy@yahoo.com).